

"رئیس بی عرضه، برگرد برو تو حوزه"



جوش و خروش در اعماق جامعه آرام نمی‌گیرد. دامنه مبارزه کم‌زیاد می‌شود، نوسان می‌کند اما مبارزه پایان نمی‌گیرد. ادامه مبارزه توده‌های معترض در اشکال گوناگون، گویای این واقعیت است که تلاطمات و کشاکش‌های جاری هنوز به مرحله نهایی نرسیده و مادام که خواست‌های مبارزان و اعتراض‌کنندگان برآورده نشود، امواج مبارزه را پایانی نیست. اعتراض و مبارزه در میان تمام اقشار زحمتکش جامعه به درجات مختلف جاری است. دور جدید مبارزات و تجمعات بازنستگان تأمین اجتماعی که از چند در صفحه ۳

بمباران شیمیایی مدارس دخترانه، تاکتیک جنگی رژیم علیه عموم مردم ایران



مدارس دخترانه همچنان آماج حملات جنایتکارانه اسلام‌گرایان حاکم بر ایران قرار دارند. در طول دو هفته اخیر حملات شیمیایی به مدارس در اغلب استان‌های کشور تشدید شده و تعداد زیادی از شهرها را در بر گرفته است. این اقدامات وحشیانه تروریستی که از ۹ آذرماه با حمله به هنرستان نور در قم آغاز گردید، اکنون به بیش از ۲۰ استان بسط یافته است. تاکنون هزاران دختر دانش‌آموز مسموم شده‌اند. از تعداد دختران دانش‌آموزی که در اثر این حملات آسیب‌های جسمی و روحی شدید دیده‌اند، آماري در دسترس نیست. در مورد دانش‌آموزانی که جان خود را از دست داده، اخبار ضدونقیضی انتشار یافته است. پیش‌از این، خیر از مرگ یک دانش‌آموز در بروجرد انتشار یافته بود.

در صفحه ۲

باید به مقابله‌ای جدی با تحمیل دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر، برخاست

در صفحه ۱۲

این دیگر انکار نیست، نهایت وقاحت و بی‌شرمی است

مهسا (ژینا) امینی در ۲۵ شهریور ماه سال جاری به قیام و اعتراض برخاستند، با شعار "زن، زندگی، آزادی" در کف خیابان‌ها حضور یافتند، با شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه‌ای، سرنگونی نظام آدمکش جمهوری اسلامی را فریاد زدند. با ایستادگی و از جان گذشتگی علیه سرکوب و استبداد، حماسه آفریدند. آنچنان حماسه‌ای که زنان و دختران جوان با شجاعتی کم‌نظیر در مقابل مزدوران مسلح رژیم

روز دوشنبه ۲۷ فوریه (هشتم اسفند ۱۴۰۱)، پنجاه و دومین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل با حضور نمایندگان سیاسی دولت‌های عضو این سازمان در ژنو سوئیس برگزار شد. این نشست در شرایطی برگزار گردید که جهان در ۵ ماه گذشته شاهد بی‌رحمانه‌ترین سرکوب و کشتار مردم بی‌باخاسته ایران توسط پلیس و دیگر نیروهای مزدور جمهوری اسلامی بوده است. توده‌های معترض و به ستوه آمده از جنایات ۴۴ ساله جمهوری اسلامی که بعد از قتل حکومتی

در صفحه ۶

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بمناسبت روز جهانی زن

زنان پیشروان جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران

در صفحه ۸

جمهوری اسلامی مسئول مسموم‌سازی سریالی و عمدی دانش‌اموزان است!

در صفحه ۹

یک تراژدی دیگر: مرگ ده‌ها پناه‌جو در سواحل ایتالیا!

در صفحه ۹

علیه حملات شیمیایی رژیم به نوجوانان مبارز و شجاع بپا خیزیم

در صفحه ۴

نابود باد جمهوری اسلامی، نابود باد جمهوری ضد زن

در صفحه ۷

ترس جمهوری اسلامی از به خیابان آمدن بازنستگان

در صفحه ۱۱

مباران شیمیایی مدارس دخترانه، تاکتیک جنگی رژیم علیه عموم مردم ایران



برخورد وحشیانه با مادر یک دانش‌آموز مقابل مدرسه ۱۳ آبان

"در بلوار فردوس غرب هم دانش‌آموزان یکی از دبیرستان‌های دولتی همین وضعیت مسمومیت‌ها را تجربه کردند.

یک نفر از این دانش‌آموزان می‌گوید: «خودم با چشم دیدم چیزی از پنجره به داخل کلاس انداختند. کلاس ما مشرف به حیاط است و قطعاً کسی که این کار را کرده در حیاط مدرسه بوده است. بوی بدی تمام فضای کلاس را پر کرد و چون بچه‌ها ترسیده بودند و به سمت در هجوم بردند، به‌سختی از کلاس خارج شدیم، اما در راهرو هم وضعیت همین بود و بوی بد همه‌جا پر شده بود. من همان‌جا روی زمین افتادم. سوزش چشم و حالت تهوع شدید اجازه نمی‌داد که راه بروم. یک نفر کمک کرد و خودم را به حیاط رساندم و کف زمین خوابیدم.»

مادر یکی از دانش‌آموزان می‌گوید: «خواستیم مدیر مدرسه را ببینیم که گفتند: نیست. این مدرسه دوربین مداربسته دارد و زمانی هم که درخواست کردیم فیلم دوربین‌های مداربسته را به ما نشان دهند، گفتند: خراب است. حال دخترم خوب است، اما فعلاً اجازه نمی‌دهم که به مدرسه بیاید، تا تکلیف این موضوع روشن شود.»

مادر یکی از دانش‌آموزان هم درباره وضعیت دخترش که با مشکل تنفسی مواجه شده است، می‌گوید: «امروز وقتی متوجه شدم که این اتفاق رخ داده و خودم را به مدرسه رساندم، دیدم همه بچه‌ها روی زمین افتاده‌اند و فکر می‌کردم که جانشان را از دست داده‌اند. حال دخترم خوب است، اما تضعف شدید دارد و راه رفتنش با سختی است. یک نفر اینجا جواب ما را نداد. هیچ آدم غریبه‌ای حق ورود به این مدرسه را ندارد، پس چه کسی می‌تواند عامل انتشار این گاز در مدرسه باشد. مگر می‌شود کسی وارد مدرسه شود، چنین کاری را انجام دهد و به راحتی از مدرسه بیرون برود. یک دختر کوچکتر هم دارم که چند خیابان آن‌طرفتر مدرسه می‌رود. حالا نگران او هم هستم که چند روز دیگر همین بلا را سر او هم بیاورند.»

به گزارش همشهری آنلاین، یک منبع آگاه در رابطه با موضوع مسمومیت مدارس به فارس گفت: روز گذشته ۳ نفر در رابطه با این موضوع توسط نهادهای امنیتی بازداشت شدند. هنوز هیچ منبع رسمی از تعداد مدرسی که تا روز ۱۴ اسفند مورد حمله قرار گرفته‌اند انتشار نداده است.

در صفحه ۵

وزارت بهداشت نیست. اظهارات در مورد عمدی بودن آن به عهده ما نیست." وی درباره نوع دقیق سم و عوارض احتمالی بلندمدت آن، افزود: جزئیات بعداً منتشر می‌شود. بعد هم رئیس کمیسیون آموزش مجلس اعلام کرد: بر اساس نتیجه آزمایش‌های وزارت بهداشت، گاز N₂ در سم منتشر شده در مدارس قم وجود داشت.

تا اینجا این را لااقل رسماً پذیرفتند که "سم بسیار خفیفی" باعث مسمومیت سریالی دانش‌آموزان دختر شده است بدون آن‌که از منشأ آن حرف بزنند. این‌که چگونه این سم وارد بدن دانش‌آموزان شده است، وزارت بهداشت آن را حواله ارگان‌های دیگر دولتی کرد. سکوت حاکم بود درحالی‌که مدارس دخترانه بروجرد از دوم اسفند مورد حملات شیمیایی پی‌درپی قرار گرفتند.

این‌که چه فجایع و جنایاتی در آنجا رخ داد، روزنامه هم‌میهن با گفتگوی حضوری، گزارش دقیق‌تری از آنچه که در بروجرد گذشت انتشار داد.

"دو دانش‌آموز مدرسه ۱۵ خرداد بروجرد می‌گویند که شینی شبیه یک بمب کوچک را دیده‌اند که از بیرون مدرسه به حیاط پرتاب شده و ماده‌ای که از آن بیرون می‌آمده، آن‌ها را مسموم کرده است.

پرستو، دانش‌آموز کلاس دهم در رشته ریاضی دبیرستان احمدیه بروجرد است. این مدرسه ۴۰۰ دانش‌آموز دارد و نوبت عصر آن با نام مدرسه توحید در مقطع متوسطه اول یا همان راهنمایی قدیم فعالیت می‌کند. خانم فولادی، مدیر و خانم یاراحمدی، معاون هم، بستری بودند.

خانم «ف»، یکی از معلمان پیشین مدرسه ۱۵ خرداد است و در مدرسه احمدیه بروجرد هم تدریس می‌کند، باین‌حال از وضعیت مدرسه ۱۵ خرداد اطلاع دارد و یکی از نزدیکانش، دانش‌آموز آن مدرسه است. او به نقل از دانش‌آموزان مدرسه ۱۵ خرداد به هم‌میهن می‌گوید که روز گذشته، چیزی شبیه بمب در بخشی از مدرسه ترکید و از آن دودی با بوی نعنا خارج شد. «ف» می‌گوید که اتفاق روز گذشته منجر شد تعداد زیادی از دانش‌آموزان که نزدیک ۱۰۷ نفر بودند، مسموم و به بیمارستان منتقل شوند. در مدرسه احمدیه و ۱۵ خرداد، هر دو مدرسه تعطیل شده‌اند.

حالا فاطمه مقصودی، نماینده بروجرد هم به هم‌میهن می‌گوید، این مسمومیت‌ها در قم و بروجرد، صد درصد عمدی است: علاوه بر مدرسه احمدیه و ۱۵ خرداد، مدرسه توحید نیز درگیر این موضوع شده است. یکی از جنجالی‌ترین خبرهای دیروز، مربوط به سخنان یونس پناهی، معاون تحقیقات و فناوری وزیر بهداشت بود؛ او ابتدا گفت که مسمومیت دانش‌آموزان قمی عمدی بود چون افرادی دوست داشتند تمام مدارس دخترانه تعطیل شود، اما ظاهراً پس از بازتاب گسترده سخنانش، آن را تکذیب کرد.

برخی دیگر از روزنامه‌ها و سایت‌های خبری دولتی نیز گزارش‌های مشابهی از این حملات شیمیایی به مدارس دخترانه انتشار دادند از جمله در همشهری آنلاین آمده است:

بهرغم این‌که از همان آغاز روشن بود که مسمومیت سریالی دختران دانش‌آموز، نتیجه حملات شیمیایی عمدی است، اما رژیم حاکم بر ایران کوشید تا چنین وانمود کند که اتفاق خاصی رخ نداده و حمله‌ای صورت نگرفته است. وقتی که حملات به مدارس دخترانه افزایش یافت و دیگر قابل پرمپوشی نبود، مدارس قم به مدت چند روز تعطیل شد تا گویا تحقیقات فنی بیشتری در مورد علت این مسمومیت‌های سریالی انجام گیرد. سرانجام، آنچه در ۲۸ بهمن به‌عنوان نتایج اولیه چند آزمایشگاه از سوی مراکز بهداشتی رژیم اعلام شد این بود که "بر اساس اعلام



بالینی به موارد مشکوک رسیده‌ایم که جهت بررسی بیشتر به تهران ارسال می‌کنیم، اما در بررسی محیطی به رفتار غیرعادی خاصی نرسیده‌ایم." صدها دانش‌آموز در یک‌رشته حملات شیمیایی مسموم و روانه بیمارستان‌ها شده بودند، اکنون تازه پس از گذشت چند ماه، آزمایشگاه‌های به‌اصطلاح پیشرفته خیر از "موارد مشکوک" می‌دادند.

بالاخره وزارت بهداشت رژیم ۳۰ بهمن رسماً اعلام کرد در تحقیقات خود، وجود "یک ماده گاز مشکوک به‌صورت ضعیف را شناسایی کرده است."

وقتی که رسماً نقش "یک ماده گاز مشکوک" در این مسموم سازی دختران دانش‌آموز اعلام شد، تازه دادستان کل رژیم هم پس از گذشت بیش از دو ماه وارد ماجرا شد و در اول اسفند نامه‌ای به دادستان قم نوشت و گفت: "اخبار واصله از یک جریان نگران‌کننده نوعی مسمومیت در بعضی از مراکز آموزشی قم نشان از احتمال اقدامات مجرمانه عمدی دارد که قابل‌توجه و پیگیری دقیق می‌باشد... ضمن همکاری لازم با مسئولین ذی‌ربط به ریشه‌یابی و کشف واقعه پرداخته تا هرچه زودتر نگرانی‌های شهروندان محترم و اولیاء دانش‌آموزان عزیز برطرف و چنانچه کسانی در این امر قصور و یا تقصیر داشته و یا توطئه‌ای در کار بوده برخورد قاطع و قانونی انجام دهید و نتیجه را گزارش فرمایید." نتیجه اما همان بود که تا به امروز مردم ایران شاهد آن هستند. کمترین اقدامی صورت نگرفت.

چند روز بعد در نهم اسفند ۱۴۰۱ وزیر بهداشت هم در اجلاس مدیران سازمان بیمه سلامت ایران، اعلام کرد: "کمیته ویژه‌ای را مأمور کردیم که در این رابطه تحقیق کنند و از بهترین اساتید سمنشناسی کشور کمک گرفتیم که تحقیقات آن‌ها نشان داد سم بسیار خفیفی باعث بروز این عوارض می‌شود."

اما "اینکه سم از کجا می‌آید و... در حد

"رئیس بی عرضه، برگرد برو تو حوزه"

هفته پیش آغاز و به احیای مجدد یکشنبه‌های اعتراضی منجر شده است همچنان ادامه دارد. اعتراضات و تجمعات بازنشستگان، اکنون از حد یک روز در هفته (یکشنبه) و بازنشستگان تأمین



اجتماعی نیز فراتر رفته است. علاوه بر یکشنبه، بازنشستگان در روزهای دوشنبه، سه‌شنبه و چهارشنبه، هفتم، نهم و دهم اسفند نیز تجمعات اعتراضی بزرگی را در چندین شهر و استان برپا کردند.

روزهای چهارشنبه ۱۰ اسفند و یکشنبه ۱۴ اسفند گروه بزرگی از بازنشستگان تأمین اجتماعی از جمله در اهواز و شوش و شوشتر و برخی دیگر از شهرهای خوزستان تجمعات اعتراضی برپا کردند. بازنشستگان تأمین اجتماعی با راهپیمایی و تجمع مقابل اداره تأمین اجتماعی بار دیگر خواهان رسیدگی به مطالبات و همسان‌سازی حقوق خود شدند. "اجرای همسان‌سازی، بدون حقه‌بازی"، "دست‌های بازنشسته، خالی‌تر از گذشته" از جمله شعارهای بازنشستگان بود.

بازنشستگان تأمین اجتماعی مکرر خواهان اجرای ماده ۹۶ و ۱۱۱ قانون تأمین اجتماعی شده‌اند. بر طبق این مواد قانونی، مستمری بازنشستگی بایستی هر سال با توجه به افزایش هزینه‌های زندگی اضافه شود و دریافتی‌ها نباید از حداقل دستمزد کمتر باشد. در عمل اما مستمری‌ها فقط درصد ناچیزی اضافه‌شده و دریافتی بازنشستگان به هیچ‌وجه هزینه‌ها را نمی‌پوشاند. شعار "بازنشسته بیدار است، از حق کثی بیزار است" که مرتب در تجمعات تکرار می‌شود، نشان می‌دهد که بازنشستگان، نسبت به حق کثی‌ها و ظلم و ستمی که رژیم در حق آن‌ها روا داشته به‌خوبی آگاه‌اند و با شعار "فقط کف خیابون، به دست میان قهقون" دوباره وارد خیابان شده‌اند تا حق خویش بستانند.

اما موضوع اعتراض و برپایی تجمعات خیابانی به بازنشستگان تأمین اجتماعی خلاصه نمی‌شود. افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها، تورم افسارگسیخته و افزایش قیمت دلار به بالای ۶۰ هزار تومان که معنای آن کاهش شدید ارزش ریال و قدرت خرید مردم است، شمار هرچه بیشتری از زحمتکشان و حتی اقشار میانی را در تنگنای معیشتی قرار داده و بازنشستگان سایر مؤسسات از جمله بازنشستگان مخابرات و بازنشستگان کشوری و لشگری نیز بیش‌ازپیش به‌صفت اعتراض و مبارزه در کف خیابان پیوسته‌اند.

بازنشستگان مخابرات طی چند هفته اخیر، به‌طور مرتب هر هفته تجمعات اعتراضی سراسری برپا کرده‌اند. روز دوشنبه ۸ اسفند نیز بازنشستگان مخابرات علاوه بر شهر تهران،

به‌طور همزمان در چندین شهر و استان از جمله اراک، اردبیل، اصفهان، استان مرکزی، خراسان رضوی، کردستان، کرمانشاه، هرمزگان و همدان تجمعات اعتراضی نسبتاً بزرگی را سازمان دادند.

تجمع مشترک و سراسری بازنشستگان کشوری، لشگری و تأمین اجتماعی در تاریخ ۹ اسفند ۱۴۰۱ نیز از نمونه‌های نادر و برجسته اعتراضات توده‌ای در چند ماه اخیر است. مطابق فراخوانی که بازنشستگان کشوری، لشگری و تأمین اجتماعی را به تجمعی بزرگ در ۹ اسفند دعوت نموده بود، در این روز بازنشستگان یک تجمع مشترک سراسری برپا کردند. این فراخوان موردحمایت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران قرار گرفت. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و شورای هماهنگی تشکلهای



صنفی فرهنگیان ایران دو تشکل مطرح و مستقل کارگری و معلمان با صدور اطلاعیه‌هایی از این اقدام اعتراضی و خواست‌های بازنشستگان حمایت کردند. سندیکای کارگران شرکت واحد در بیانیه حمایتی خود نوشت: "سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن حمایت از فراخوان تجمع ۹ اسفند، خواهان اجرای کامل همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و افزایش حقوق بازنشستگی متناسب با نرخ واقعی تورم می‌باشد و از همه همکاران بازنشسته و شاغل تقاضا داریم در این تجمعات شرکت کنند". شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران نیز در اطلاعیه‌ای که در تاریخ ۸ اسفند انتشار داد، از تجمع سراسری بازنشستگان پشتیبانی کرد و چنین نوشت: "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، ضمن حمایت همه‌جانبه از فراخوان تجمع ۹ اسفند خواهان اجرای کامل همسان‌سازی حقوق بازنشستگان در سال جاری می‌باشد. در پایان از همه همکاران بازنشسته و شاغل تقاضا داریم در این تجمع شرکت کنند".

روز سه‌شنبه نهم اسفند، بازنشستگان کشوری، لشگری و تأمین اجتماعی یک تجمع مشترک و بزرگ سراسری را سازمان دادند و در بیش از ۱۳ استان از جمله آذربایجان شرقی، اردبیل، البرز، اصفهان، ایلام، چهارمحال و بختیاری، گیلان، کردستان، کرمانشاه، قزوین، استان مرکزی و یزد تجمعات خیابانی پرشوری برپا کردند. در این روز علاوه بر شعارهای صنفی و اقتصادی از نمونه "اگرانی، تورم، بلای جان



مردم"، "دوزولک کافیه، سفره ما خالیه"، "حقوق ما ریالیه، هزینه‌ها دلاریه"، "اجرای همسان‌سازی، بدون حقه‌بازی" و امثال آن، چند شعار نیز علیه دولت، مجلس و صداوسیما و دو شعار به‌طور مشخص علیه رئیسی شامل "رئیس بی‌عرضه، برگرد برو تو حوزه" و "رئیس حیا کن، مملکت و رها کن" زینتبخش این تجمعات بود. ارتجاع حاکم که می‌دانست جمعیت زیادی از بازنشستگان و شاغلان مطابق فراخوان قبلی، روز سه‌شنبه نهم اسفند در تهران مقابل مجلس دست به تجمع خواهند زد، بار دیگر به اقدامات قهری و پیشگیرانه متوسل شد. این واقعیت از قبل مشخص بود که بر زمینه شرایط سیاسی و تشدید فشارهای اقتصادی، در تجمع مشترک بازنشستگان کشوری، لشگری و تأمین اجتماعی که فراخوان آن از قبل صادر شده و مورد استقبال قرار گرفته بود، در تهران جمعیت زیادی مقابل مجلس حضور خواهند یافت. ارتجاع حاکم که از این حرکت متحدانه اعتراضی وحشت کرده بود، روز سه‌شنبه از ساعات اولیه صبح میدان بهارستان و خیابان‌های اطراف آن را قرق کرد. تمام خروجی‌های متروی بهارستان به اشغال نیروهای سرکوب درآمده بود. صدها نیروی سرکوب که تعداد مأموران زن نیز در میان آن‌ها افزایش یافته و به انواع ادوات سرکوب مجهز بودند، از داخل مترو تا جلو مجلس را قرق کرده بودند و در واقع نوعی حکومت‌نظامی در محل برقرار شده بود. مزدوران سرکوبگر با اعمال خشونت و هتاک علیه بازنشستگان، تعداد زیادی را مورد ضرب و شتم قرار دادند و بیش از ۱۰۰



نفر را بازداشت و به بازداشتگاه پلیس امنیت در مجاورت زندان قصر منتقل کردند. تعداد زیادی از زنان را نیز بازداشت و با ون‌هایی که از قبل در محل آماده بود به اماکن نامعلومی منتقل کردند. اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه مزدوران حکومتی تنها به مقابل مجلس و ضرب و شتم بازنشستگان ختم نشد. این اقدامات تا درون متروی بهارستان نیز ادامه و به عموم عابران و مسافران نیز تسری یافت. نیروهای سرکوب، آشکارا سعی در ایجاد رعب و وحشت داشتند و

"رئیس بی عرضه، برگرد برو تو حوزه"

علیه حملات شیمیایی رژیم به نوجوانان مبارز و شجاع بپا خیزیم



حملات شیمیایی به مدارس دخترانه در روزهای اخیر ابعاد وسیعی پیدا کرده است. کمتر نقطه‌ای از این سرزمین پهناور است که دختران نوجوان و شجاع ما مورد حمله شیمیایی مزدوران رژیم در مدارس قرار نگرفته باشند.

نابود باد جمهوری اسلامی، نابود باد رژیم جنایتکاری که پاسخ مبارزات دختران شجاع ما را با حمله شیمیایی داده است.

تنگ و نفرت ابدی بر آن‌ها.

تنها در روز یکشنبه در بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ دهها مدرسه دخترانه مورد حمله شیمیایی قرار گرفته و صدها دانش‌آموز به بیمارستان‌ها منتقل شده‌اند. براساس اخبار منتشره مراکز درمانی در برخی از شهرها از دختران شجاع و مبارز پُر شده و در استان خوزستان مراکز درمانی به حالت آمادگی درآمده‌اند. تنها در هفته اخیر صدها مدرسه و هزاران دانش‌آموز دختر مسموم شده‌اند. همچنین حملاتی به خوابگاه‌های دانشجویان دختر و به صورت محدودی نیز به مدارس پسرانه صورت گرفته است.

با این وجود وزیر کشور جنایت‌پیشه رژیم وقیحانه مدعی شده است که "مسمومیت خفیفی رخ داده و ۹۰ درصد ناشی از مواردی همچون استرس ناشی از طرح این موضوع بوده است". معاون امنیتی وی نیز گفت: "مساله بسیار کوچکتر از آن است که خودنمایی می‌کند". عوامل حکومت وقیحانه جار می‌زنند: "کار دشمن است"، "دست‌های خارجی در کار است". حتا نظری یکی از نمایندگان مجلس با وقاحت تمام گفته است: "این ماجرا توطئه‌ای از سوی دشمنان نظام است و آنها بنا دارند از این طریق به نظام لطمه بزنند و دست دشمن در کار است و ممکن است برخی از معلمان پشت قضیه باشند دور از ذهن نیست".

از رژیمی که بنای آن بر دروغ و جنایت است، نباید انتظار دیگری داشت.

مقامات وزارت بهداشت بعد از سه ماه در حالی مدعی مسمومیت خفیف شده‌اند که به گفته‌ی هاشمیان فوق‌تخصص بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان مسیح دانشوری، "گازهایی که برای مسمومیت دانش‌آموزان استفاده می‌شود ترکیبی است و دسترسی به آن‌ها برای افراد عادی امکان‌پذیر نیست".

تاکنون هیچ خبر و اطلاع‌رسانی روشنی درباره‌ی عواقب جسمی ماندگار حملات شیمیایی اخیر علیه دختران مبارز و شجاع ما صورت نگرفته است و حتا مشخص نشده است که دقیقا در این حملات شیمیایی از چه نوع گاز یا گازهایی استفاده شده است.

عدم اطلاع‌رسانی، کوچک جلوه دادن موضوع، روشن نشدن عوامل پشت پرده با وجود دوربین‌هایی که عموم مدارس به آن مجهز هستند و بویژه ابعاد گسترده‌ی آن در روزهای اخیر، همگی نشان می‌دهد که این حملات شیمیایی کار حکومت است و حتا نمی‌توان گفت که گروهی در داخل حکومت دست به این اقدام زده است. ابعاد وسیع ماجرا و عملکرد رژیم در این چند ماه به‌وضوح این واقعیت را آشکار می‌کند که کلیت حاکمیت در پشت این ماجرا قرار دارد و این جنگ کثیفی است که حکومت علیه نه فقط دختران شجاع و مبارز ما، بلکه علیه تمام مردم ستم‌دیده‌ی ایران آغاز کرده است. رژیمی که دست به چنین جنایتی می‌زند نباید حتا یک روز از خشم توده‌ها در امان باشد. باید بپا خاست و قهرمانانه این حکومت جنایتکار را برانداخت.

ما همگی مردم ستم‌دیده‌ی ایران، دختران و پسران دانش‌آموز و دانشجو و والدین آن‌ها را دعوت می‌کنیم تا در تجمعات روزهای سه شنبه و چهارشنبه (روز جهانی زن) شرکت کرده و فریاد دادخواهی‌شان را با صدایی رسا در فضای کشور طنین‌انداز کنند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۴ اسفند ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

علاوه بر باتوم از گاز اشک‌آور نیز استفاده کردند. اگرچه ارتجاع حاکم با اعمال خشونت و زور و فشار و بازداشت و زندان توانست مانع تجمع مشترک بازنشستگان در تهران شود، اما هزاران تن از بازنشستگان در سایر شهرها و استان‌ها تجمعات اعتراضی خود را برگزار نمودند.

تجمع سراسری و مشترک بازنشستگان کشوری، لشگری و تأمین اجتماعی گرچه نخستین تجربه اتحاد عمل گسترده و مشترک این زحمتکشان در ابعاد سراسری بود و لذا ضعف و کمبودهای خاص خودش را داشت اما بی‌شک در ادامه قادر است این ضعف و کمبودها را برطرف کند و در ابعاد وسیع‌تر و سازمان‌یافته‌تری ظاهر شود. علی‌رغم این موضوع، تجمع سراسری و مشترک بازنشستگان در نوع خودش اقدام موفقی بود که البته باید مورد حمایت قرار گیرد و تقویت شود. مبارزات و اعتراضات بازنشستگان، برای تقویت و گسترش خود، نیاز به حمایت جدی و عملی دارند. یکی از روش‌های حمایتی، موضع‌گیری‌های به‌موقع و بجا و همراهی با این اعتراضات است. مهم‌تر از آن اما حمایت‌های عملی از طریق سازمان‌دهی اقدامات اعتراضی است. شاغلان و بازنشستگان فرهنگی جزء محروم‌ترین و زحمتکش‌ترین اقشار جامعه هستند که بایستی سازمان‌دهی تجمع‌ها و اعتصابات سراسری و تحسین‌برانگیز سال گذشته را که در رأس تمام مبارزات توده‌های مردم قرار گرفت، دوباره از سر گیرند. تجمع‌ها و اعتصابات سراسری اقشار گوناگون و زحمتکش جامعه، همپای اعتصابات سراسری کارگری، تقویت کننده یکدیگرند و می‌توانند خون جدیدی را در کالبد جنبش انقلابی جاری ساخته و جنبش اعتراضی و انقلابی را با گام‌های استوار پیش برانند.

خوشبختانه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران نیز برای روز سه‌شنبه ۱۶ اسفند فراخوان تجمع سراسری داده است. از این فراخوان و اعتراض سراسری معلمان شاغل و بازنشسته با تمام توان باید حمایت کرد. باید امیدوار بود که فراخوان شورای هماهنگی و استقبال شایسته فرهنگیان شاغل و بازنشسته از آن، دریچه تازه‌ای را بر جنبش‌های اعتراضی بگشاید و نویدبخش موج تازه‌ای از اعتراضات و اعتصابات صنفی و سیاسی شود. بسیار مهم است که اتحاد میان کارگران و زحمتکشان هرچه مستحکم‌تر شود. کارگران و بازنشستگان و معلمان و دیگر زحمتکشان، در شرایط کنونی همه در یک‌قطب جامعه قرار دارند و بایستی اتحاد و اتفاق میان خود را محکم‌تر کنند. اگر اعتصابات و تجمع‌ها و جنبش‌های اعتراضی جدا جدا و مجزا از هم نمی‌تواند ارتجاع حاکم را عقب براند، اتحاد و هماهنگی میان این اعتصابات و تجمع‌ها و جنبش‌های اعتراضی می‌تواند ضربات کاری بر پیکر رژیم وارد کند. ارتجاع حاکم را باید به‌طور گسترده به مصاف طلبید و از همه سو به محاصره درآورد. اتحادها را تحکیم‌بخشیم، مبارزه را تشدید کنیم و ارتجاع حاکم را به‌زانو درآوریم.

زنده باد سوسیالیسم

بمباران شیمیایی مدارس دخترانه، تاکتیک جنگی رژیم علیه عموم مردم ایران



است. این واقعیت را به‌ویژه در طول چند ماه اخیر دیدیم که برای مقابله با مردم معترض از تاکتیک‌های جنگی استفاده کرد. حمله شیمیایی به مدارس دخترانه نیز در واقع شکل خفیف شده همان استفاده از بمباران شیمیایی در جنگ‌های میان دولت‌هاست. دشمن در اینجا برای مرتجعین حاکم بر ایران، توده‌های مردم ایران هستند. هدف از این اقدامات ضربه زدن به عموم مردمی است که برای سرنگونی رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران به پا خاسته‌اند. در جریان این حملات فقط دختران دانش‌آموز نیستند که به علت مبارزه دلاورانه‌شان در چند ماه گذشته که رو در روی رژیم قرار گرفتند، حجاب اجباری را به دور افکندند و به آتش کشیدند، عکس‌های خمینی و خامنه‌ای را از کلاس‌های درس به زیر کشیدند و پاره کردند، مجازات شده و آماج حملات قرار گرفته‌اند، بلکه پدر و مادر و تمام اعضای خانواده‌هاست که مورد حمله قرار گرفته‌اند.

اما رژیم بی‌هوده می‌پندارد که با این وحشی‌گری می‌تواند مردم را مرعوب سازد. این اقدام وحشیانه نه‌فقط کمکی به نجات رژیم نکرده و نخواهد کرد، بلکه سرنگونی‌اش را تسریع خواهد کرد. توده‌های وسیع‌تری از مردم با اشکال رادیکال‌تر به مبارزه روی می‌آورند. در همین چند روز اخیر دیدیم که خانواده‌های نگران، تجمع‌های اعتراضی برپا ساختند و علیه جنایتکاران حاکم بر ایران که فرزندانشان را مورد حملات شیمیایی قرار داده شعار سر دادند. این اقدامات را باید گسترش داد. دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها باید با برپائی تجمعات سراسری در مقابل ادارات آموزش و پرورش و دیگر مراکز دولتی و نیز تظاهرات خیابانی به مقابله با اقدامات تروریستی و جنایتکارانه رژیم برخیزند. مدارس پسرانه نیز باید به این اعتراضات بپیوندند و از خواهران خود حمایت کنند. راه دیگری برای نجات از فجایع موجود، جز تشدید مبارزه برای سرنگونی هر چه فوری‌تر رژیم ارتجاعی جنایتکار جمهوری اسلامی در برابر مردم ایران قرار ندارد.

رئیس جلاد روز چهارشنبه اعلام کرد: هرگونه اطلاع‌رسانی باید از طریق وزارت کشور انجام شود و وزیر کشور هم با وقاحت تمام در همین روز اعلام کرد: آنچه رخ داده ناشی از استرس است و تمام اخباری که جز این اعلام‌شده کذب است و از برخی منابع دولتی که چیزی جز این بیان کرده‌اند خواست خفه شوند و حرف نزنند. وی گفت: " حاصل جمع بررسی‌ها نشان داد درصد بالایی از آنچه که تحت عنوان عارضه برای فرزندانمان رخ داده بود و حجم زیادی در حدود بالای ۹۰ درصد، مربوط به عوامل خارجی نبوده و ناشی از مواردی همچون استرس ناشی از طرح این موضوع بوده است. با توجه به بررسی‌هایی که تاکنون در مکان‌هایی که این اتفاق افتاده انجام‌شده، عامل خاصی همچون ماده خاصی که این موضوع آثار ناشی از آن ماده باشد مشاهده نشده و گزارش خاصی که برای مثال نشان‌دهنده ماده سمی که حادثه ناشی از آن بوده باشد نیز نداشته‌ایم.

متأسفانه برخی نیز در داخل و خارج از دستگاه تخصصی اظهارنظرهای مختلفی می‌کنند که دقیق نیست و باید مراقبت کنند که موجب هراس افکنی برای عزیزانمان و خانواده‌هایشان نشوند. خبرهایی همچون اینکه یکی از دانش‌آموزانمان بر اثر این حادثه فلج شده نیز کذب است و چنین موردی نداشته‌ایم. همچنین تاکنون دستگیری در این مورد نداشته‌ایم. دستگاه اطلاعاتی موضوع را دنبال می‌کند. اگر فردی از سر ماجراجویی و یا عواملی در این خصوص وجود داشته باشند، دستگیری انجام می‌شود اما چنین سرخی تا حالا نداشته‌ایم."

وزیر کشور با این اظهارنظر آشکار ساخت که اقدام وحشیانه و جنایتکارانه حملات شیمیایی به مدارس دخترانه یک برنامه‌ریزی از پیش طراحی‌شده خود رژیم است. وقتی که این جنایتکار نه‌فقط مسمومیت هزاران دختر دانش‌آموز، بلکه نتایج تحقیقات مراکز بهداشتی دولتی و غیردولتی را در مورد گازهای سمی مورد استفاده در این حملات را انکار می‌کند، معلوم است که منشأ این حملات خود جمهوری اسلامی است. با ابعادی که این حملات به خود گرفته دیگر حتی نمی‌توان گفت ممکن است کار این یا آن باند درونی جمهوری اسلامی باشد. اقدامی که اکنون در این وسعت، در متجاوز از صد شهر و صدها مدرسه رخ داده است، سازمان‌دهی آن از عهده این یا آن باند درونی رژیم ساخته نیست. اگر چنین می‌بود تاکنون مثل قتل‌های زنجیره‌ای چند نفر را هم قربانی می‌کردند و ماجرا را فیصله می‌دادند.

چگونه ممکن است که پس از گذشت سه ماه از بمباران شیمیایی و مسموم کردن چندین هزار دانش‌آموز و تانید قطعی مواد سمی در بدن کودکان، هیچ اقدامی صورت نگیرد و رژیم با دستگاه عریض و طویل نظامی و امنیتی‌اش نداند که چه کسانی پشت این ماجرای تروریستی هستند؟ معلوم است که این اقدام از سوی خود رژیم انجام می‌گیرد. در حال اهداف آن پوشیده نیست.

جمهوری اسلامی به مردم ایران اعلان جنگ داده

یک عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس ارتجاع اسلامی، روز چهارشنبه هفته گذشته اعلام کرد "تا آن قریب به ۹۰۰ دانش‌آموز از استان‌های مختلف کشور مسموم شدند و این آمار را امروز از یک منبع موثق دریافت کردم. درباره تعداد کشته‌شدگان این حادثه آماری ندارم و باید وزارت آموزش و پرورش این موضوع را بررسی کند." اعتماد آنلاین می‌نویسد: با بررسی خبرهای



موجود که در خبرگزاری‌های رسمی به دست آورده، حکایت از درگیر شدن ۱۰ استان با این موضوع دارد و در مجموع ۵۸ مدرسه تا دهم اسفند هدف حمله‌کنندگان قرار گرفته است. خبرگزاری تسنیم اما از ۷۱ مدرسه تا ۱۴ اسفند خبر می‌دهد.

روز چهارشنبه هفته گذشته لیست ۲۶ مدرسه دخترانه‌ای که تنها در این روز هدف حمله قرار گرفتند، انتشار یافت. اما آمار واقعی بسیار فراتر از این تعداد بود. به‌عنوان نمونه در این لیست از ۶ مدرسه دخترانه در اردبیل نام برده شده در حالی که رئیس دانشگاه علوم پزشکی اردبیل اعلام کرد: "روز چهارشنبه ۴۰۰ دانش‌آموز دختر از ۱۱ مدرسه اردبیل با آمبولانس‌های اورژانس و تعدادی هم توسط خانواده‌هایشان به بیمارستان‌ها منتقل شدند. ۱۰۰ دانش‌آموز دختر با علائم مسمومیت شدیدتر، هنوز بستری هستند. وی منشأ این مسمومیت را سم منتشر شده اعلام کرد."

بنابراین تعداد مدارس که روز چهارشنبه هفته گذشته مورد حمله شیمیایی قرار گرفتند بسیار بیشتر از ۲۶ مورد اعلام‌شده بوده است. روز شنبه این هفته نیز متجاوز از ۴۵ مدرسه دخترانه هدف حمله شیمیایی قرار گرفتند.

حالا که دیگر این واقعیت بر همگان آشکار شده که مدارس دخترانه مورد حملات شیمیایی قرار گرفته‌اند، خانواده‌های نگران دانش‌آموزان در سراسر کشور منتظر موضع‌گیری دولت بودند که وزیر کشور رژیم یکسره همه‌چیز را انکار کرد.

این دیگر انکار نیست، نهایت وقاحت و بی شرمی است

سینه سپر کردند، در مقابل چشم آنان، روسری از سر برداشته و این نماد ایدئولوژیک رژیم را به آتش کشیدند، طی ۵ ماه با مقاومت و پایداری و از جان گذشتگی کم نظیری، جهان و جهانیان را به تحسین واداشتند. تحسین و افتخاری که آسان بدست نیامد و هزینه های بس سنگینی برای توده های مردم بپا خاسته ایران همراه داشته است.

با شروع موج جدید جنبش انقلابی مردم ایران، آنچنان وحشتی رژیم را فرا گرفت، که نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی با تمام ابزارهای سرکوب خیابانی در مقابل مردم معترض صف آرای کردند. سرکوب و کشتار زنان و مردان بپاخاسته از هر سو آغاز شد. دستگیری مردم بی دفاع در کوچه و خیابان گسترش یافت. زندان ها از بازداشت شدگان انباشته شد و بازجویی و شکنجه به اوج رسید. در این مدت، انسان های بی شماری به خاک افتادند. مزدوران مسلح جمهوری اسلامی در روز روشن به زنان تعرض کردند و آشکارا به زخمی های افتاده در کف خیابان تیر خلاص زدند. با تداوم و گسترش جنبش انقلابی، پورش نیروهای امنیتی از خیابان ها به مدارس دخترانه کشیده شد. دختران بسیاری دستگیر شدند، ربودن معترضین از خانه ها گسترش یافت. دستگیری و به بند کشیدن خبرنگارانی که تا حدودی استقلال خبرنگاری خود را حفظ کرده بودند، شدت گرفت. سرکوب و کشتار بی رحمانه مردم آنچنان وسعت یافت که فقط از ۲۶ شهریور تا ۲۰ دی ۱۴۰۱، بیش از ۲۰ هزار نفر دستگیر شدند، ۵۲۰ نفر از جمله ۶۰ دانش آموز با شلیک مستقیم گلوله یا ضربات باتوم آدمگشان جمهوری اسلامی به قتل رسیدند. ده ها نفر بر اثر شلیک مستقیم گلوله های ساچمه ای یک یا هر دو چشم خود را از دست دادند. صدها تن از دختران و پسران جوان در بازداشتگاه های مخفی سپاه و نیروهای اطلاعاتی مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفتند. وضعیت زندان ها آنچنان فاجعه بار شد که این روزها، روایت شکنجه و بیداد و تجاوز و ستمگری، روایت تلخ زندان و زندانیان شده است. اعتراف گیری های اجباری از بازداشت شدگان همانند سال های نخست دهه ۶۰ رونق گرفت. نمایش اعتراف های اجباری و نشان دادن چهره های تکیده شکنجه شدگان در سیمای جمهوری اسلامی آغاز شد.

در کشاکش چنین مبارزاتی بود که دو تصویر متضاد از جامعه انقلابی ایران در معرض نگاه و افکار عمومی جهان شکل گرفت. نخست، تصویری روشن و تحسین برانگیز از سلحشوری و دلیری توده های مردم ایران که افکار عمومی جهان را به تحسین و حمایت از جنبش انقلابی زنان و مردان ایران واداشت. دوم، تصویری مخوف از جنایات جمهوری اسلامی که طی ماه های گذشته بیش از هر زمان دیگری در ذهنیت جهان و آزار دهند از عمق کشتار و شکنجه و اعدام در جمهوری اسلامی که اکنون این رژیم سراپا جنایت را در افکار عمومی جهان رسوا و مقتضع کرده است.

حال در چنین شرایطی که در یک سوی آن،

تصویری تاریخی و سرنوشت ساز از دلآوری ها و مبارزات قهرمانانه توده های مردم ایران نقش بسته است و در سوی دیگر آن، سرکوب و کشتار بی رحمانه جمهوری اسلامی، پنجاه و دومین نشست سالانه شورای حقوق بشر سازمان ملل برای رسیدگی به "نقض حقوق بشر" در جهان از جمله در حاکمیت جمهوری اسلامی آغاز شد. نشست که بنا به ماهیت دولت های تشکیل دهنده این سازمان جهانی، نه تنها به محکومیت جمهوری اسلامی در بکارگیری شکنجه و کشتار و سرکوب و جنایات صورت گرفته در ۵ ماه گذشته منجر نشد، بلکه به حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه جمهوری اسلامی فرصت داده شد تا در این نشست بین المللی به انکار تمام جنایات این رژیم آدمکش بپردازد. وزیر جنایتکاری که در نخستین روز این نشست، با بی شرمی تمام از اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی تمجید کرد، مبارزات توده های مردم ایران را به سخره گرفت و با بی شرمی تمام منکر کشتار کودکان شد، دستگیری بیش از ۲۰ هزار نفر از معترضین را انکار کرد، دستگیری ده ها خبرنگار جوان را تبلیغات رسانه ای دشمن خواند و سرکوب ۴۴ ساله زنان را از بیخ و بن منکر شد. حسین امیر عبداللهیان، همانند محمد جواد ظریف، وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی، نه تنها منکر سرکوب زنان و بی حقوقی مطلق آنان در جمهوری اسلامی شد، بلکه در مصاحبه با کریستین امانپور، خبرنگار "سی ان ان" با وقاحتی غیر قابل تصور اعلام کرد: "زنان در ایران، همه ی آزادی های لازم را دارند".

تکرار اینگونه اراجیف از طرف امیر عبداللهیان، در وضعیتی که تحت رسوایی رژیم در مورد بی حقوقی زنان از بام به زیر افتاده و صدای بی آبرویی آن به گوش جهان و جهانیان رسیده است، دیگر انکار حقیقت نیست، یک دروغ بافی محض نیست. بر ملا کننده شارلاتانیزم این مزدور کثیف جمهوری اسلامی نیست، بلکه نهایت تبهکاری و انحطاط و بی شرمی نهادینه شده در کل دم و دستگاه سیستمی است که اکنون مسئولیت تکرار اینگونه اراجیف و انکار محض جنایات ۴۴ ساله جمهوری اسلامی را بر عهده مزدور دیگری به نام حسین امیرعبداللهیان گذاشته است. همانطور که پیش از این حسن روحانی در مصاحبه با کریستین امانپور گفته بود، در ایران "روزنامه نگار زندانی" نداریم. همانگونه که محمد جواد ظریف، وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی گفته بود در ایران "زندانی سیاسی" وجود ندارد.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی البته، تنها به تکرار اراجیفی از این دست که "زنان در ایران، همه ی آزادی های لازم را دارند"، بسنده نکرد. به رغم کشتار وسیع مردم در ۵ ماه گذشته، او در قالب یک شارلاتان تام و تمام مدعی شد، "در تظاهرات مسالمت آمیز کسی بازداشت نشد" و "پلیس هم کسی را با گلوله نکشت".

حسین امیر عبداللهیان در شرایطی اینگونه یاهه سرایی های بی مایه را تکرار کرده است که اکنون صدها فیلم و ویدئو از شلیک مستقیم

ماموران حکومتی به مردم بی دفاع انتشار یافته است. ویدئوهایی که در آن روزهای اوج مبارزات خیابانی، مزدورانی را نشان می دهد که هم در خیابان و هم در محیط دانشگاه به روی معترضان سلاح کشیده و در مواردی با شلیک مستقیم از فاصله نزدیک بر سر و سینه مردم شلیک کرده اند. بیان اینگونه مَهملات از زبان وزیر خارجه جمهوری اسلامی، در وضعیتی که اکنون جهان و جهانیان با خبرند که مهسا امینی بخاطر بیرون آمدن چند تار مو توسط گشت ارشاد دستگیر و سه روز بعد به قتل رسید، دیگر انکار حقیقت نیست، دیگر یاهه سرایی نیست، یک رسوایی بی چون چراست که تکرار آن فقط از خامنه ای و مزدوران حرفه ای جمهوری اسلامی بر می آید. تکرار اینگونه دروغ بافی های کثیف، آنهم در شرایطی که فقط در جمعه "خونین" زاهدان (۸ مهر) بیش از ۱۰۰ نفر بر اثر تیراندازی مستقیم ماموران انتظامی جمهوری اسلامی کشته شدند، دیگر انکار نیست، بلکه نمایش انحطاط و سقوط و ورشکستگی کامل نظامی فاسد و تبهکار است که ورشکستگی آن، اینگونه در سخنان وزیر خارجه اش در پنجاه و دومین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل به نمایش درآمده است.

با این همه، جمهوری اسلامی را هرجی نیست و طبیعتا از مزدوران این رژیم هم نمی توان انتظار داشت تا در محافل بین المللی گوشه ای از کشتار و سرکوب و بی حقوقی زنان را در جمهوری اسلامی بیان کنند. این نظام، بقا و استمرارش بر سرکوب و کشتار و اعدام و فریب و انکار حقیقت بنا شده است و طبیعتا بیش از این نیز انتظاری از این رژیم فاسد و تبهکار نیست. اما انکار اینگونه حقایق از زبان وزیر خارجه جمهوری اسلامی، آنهم در نشست سالانه حقوق بشر سازمان ملل، نه فقط بازتاب دهنده رسوایی هیات حاکمه ایران است، بلکه به نوعی رسوایی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد را نیز به نمایش گذاشته است. سازمانی که مجموعه اعضای اصلی و تعیین کننده آن بنا به ماهیت طبقاتی و حفظ منافع نظم سرمایه داری موجود، هر از چند گاه مواضع به ظاهر متفاوتی را در مقابل جمهوری اسلامی اتخاذ می کنند.

دو سال پیش، سازمان ملل و با پشتیبانی همین دولت های مدعی برخورد با ناقضان حقوق بشر، جمهوری اسلامی را که موجودیتش بر سرکوب و کشتار و تبعیض و نقض آشکار و بی رحمانه حقوق زنان عجين شده است، بنا به مصلحت و منافع آن زمان خود به عضویت کمیسیون مقام زن در سازمان ملل در آورد. این اتفاق در شرایطی افتاد که تجربه کشتار ۱۵۰۰ تن از مردم بی دفاع ایران در قیام چهار روزه آبان ۹۸ و کارنامه چهل و چند ساله نقض بی رحمانه حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی در مقابل چشم سازمان ملل و دولت های عضو آن بود.

اما در پی قتل مهسا (ژینا) امینی و شکل گیری موج نوین جنبش انقلابی توده های مردم ایران، آوازه این جنبش و پایداری زنان آنچنان افکار عمومی جهان را تکان داد که همین سازمان و دولت های عضو آن یک سال بعد جمهوری اسلامی را که خود به کمیسیون مقام زن پذیرفته بودند، با خفت و خواری از این کمیسیون اخراج کردند. در ۵ ماه گذشته و در پی مبارزات



نابود باد جمهوری اسلامی، نابود باد جمهوری ضد زن

درست سه ماه پیش در ۹ آذر و در ببحوحه‌ی مبارزات توده‌های مردم که زنان و دختران جوان و نوجوان نقشی بی‌مانند در آن ایفا کردند، اولین خبر از مسمومیت دختران هنرستان نور در محله یزدان شهر قم منتشر شد. با گذشت ۳ ماه از شروع مسمومیت دانش‌آموزان دختر در مدارس، نه تنها هیچ اقدامی از سوی حکومت برای محافظت از جان و سلامت دانش‌آموزان دختر صورت نگرفت، بلکه دامنه‌ی مسمومیت دانش‌آموزان که از قم شروع شده بود، به برخی از شهرهای دیگر از جمله تهران، بروجرد، اصفهان، قزوین، پرند و پردیس گسترش یافت. براساس اخبار منتشره تاکنون حداقل ۸۰۰ دانش‌آموز دچار مسمومیت شده‌اند.

در طول این مدت مقامات جمهوری اسلامی همچون وزیر آموزش و پرورش ابتدا از اساس موضوع را انکار کردند، اما با گسترش مسمومیت‌ها و متأسفانه جان باختن یک دانش‌آموز دختر ۱۱ ساله به نام فاطمه رضایی در قم، گسترش اعتراضات والدین دانش‌آموزان و انعکاس وسیع آن در جامعه، مقامات جمهوری اسلامی مجبور به اعتراف شده و از عمدی بودن آن سخن گفتند.

وزیر شارلاتان بهداشت برای توجیه بی‌تفاوتی حکومت از "سمی خفیف" خبر داد که "هیچ گونه عارضه‌ای ایجاد نکرده و تنها چند ساعتی دچار علائم ضعف عضلانی، بی‌حالی و حالت تهوع بودند" و نماینده فاشیست مجلس اسلامی گفت "این مسمومیت‌ها بطور قطع از خارج از کشور هدایت می‌شود".

به‌گفته‌ی دانش‌آموزان حداقل دو مدرسه دخترانه، "یک شیء از بیرون به داخل مدرسه پرتاب شده بود که پس از ترکیدن دودی با بوی نعا از آن خارج شده است". به دلیل پنهان‌کاری‌های حکومت اسلامی، هنوز نه نوع گاز و مسمومیت دانش‌آموزان مشخص شده است و نه عوارض درازمدت آن.

همچنین اخباری از دست داشتن جریانی در داخل حکومت در بروز این وقایع منتشر شده و این‌که این گروه مخالف تحصیل دختران هستند.

مردم می‌پرسند: "چه دست‌هایی در کار است که تاکنون مجریان و عوامل پشت پرده‌ی این جنایت علیه دانش‌آموزان دختر مشخص نشده است؟"

ما می‌گوییم: "جمهوری اسلامی همان حکومت اسلامی داعش است، همان حکومت طالبان است، حکومتی که اساس قوانین آن بر دین باشد بدون تردید ضد زن است".

ما می‌گوییم: "حمله به مدارس دخترانه با گازهای سمی، تلاش حاکمیت برای گرفتن انتقام از زنان و دختران و به‌طور خاص دانش‌آموزان دختر است که در موج اخیر انقلابی با شعار زن، زندگی، آزادی نقشی بی‌نظیر در تاریخ مبارزات مردم ایران علیه دشمنان مردم ایفا کردند".

باید علیه این ارتجاع وحشی و جنایتکار بپاخاست، باید این نظم ستمکارانه و فاشیستی را برانداخت، باید آن‌ها را که این‌گونه جان و سلامت دختران قهرمان این سرزمین را به خطر انداخته‌اند، به گورستان تاریخ سپرد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۹ اسفند ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

این دیگر انکار نیست، نهایت وقاحت و بی‌شرمی است

سلحشورانه زنان و توده‌های قهرمان مردم ایران، بی‌آبرویی جمهوری اسلامی به جایی رسید که دولت‌های غربی حتی از پذیرش جمهوری اسلامی در نشست امنیتی مونیخ نیز خودداری کردند. اقدامی که افتضاح دیگری را در عرصه خارجی برای جمهوری اسلامی رقم زد.

حال، همین دولت‌های غربی که در ۵ ماه گذشته به تاسی از مبارزات مردم ایران، مواضع شدیدتری را علیه جمهوری اسلامی اتخاذ کرده بودند، اکنون با فروکش نسبی مبارزات خیابانی توده‌های مردم ایران حاضر نشدند در پنجاه و دومین نشست سالانه حقوق بشر سازمان ملل جمهوری اسلامی را به دلیل کشتار وسیع مردم و نقض آشکار حقوق زنان با قاطعیت محکوم کنند.

خروجی این نشست در ارتباط با جنایات جمهوری اسلامی، فقط بیرون رفتن اعتراضی "ده‌ها" تن از حاضرین به هنگام سخنرانی حسین امیر عبداللّه‌پان در روز اول بود. در روز دوم هم، بیانیه‌ای از طرف گروهی از دولت‌های حاضر در نشست صادر شد که صرفاً به محکومیت لفظی جمهوری اسلامی در مورد "اعدام" بسنده کردند و خواهان توقف اجرای حکم اعدام در ایران شدند. در این بیانیه نه از محکومیت قاطع جمهوری اسلامی در بی‌حقوقی محض زنان حرفی به میان آمده، نه در محکومیت کشتار صدها نفر از زنان و مردان در کف خیابان‌ها سخنی گفته شده و نه از سرکوب خونین و دستگیری بیش از ۲۰ هزار نفر از معترضین طی ماه‌های اخیر سخن رفته است.

تنها موردی که این بیانیه بدان اشاره کرده است، همانا "نگرانی" کلی آنان از اجرای حکم اعدام در همه کشورها از جمله ایران است. ۵۴ دولت امضاکننده این بیانیه با تأکید بر اینکه، "مجازات اعدام نباید توسط هیچ دولتی برای مجازات افراد شرکت‌کننده در تظاهرات و ایجاد ترس در میان مردم با هدف دلسرد کردن مخالفان به کار گرفته شود"، در مورد روند احکام صادر در جمهوری اسلامی اعلام کرده اند: "ما نگران ماهیت جرایمی هستیم که مجازات اعدام برای آنها اعمال شده است. همچنین سرعت محاکمه‌ها، عدم شفافیت، و گزارش‌های موثق مبنی بر اینکه متهمان دسترسی مناسبی به وکیل انتخابی خود نداشته‌اند و در معرض شکنجه یا سایر رفتارهای غیر انسانی قرار گرفته‌اند، عامل نگرانی هستند" و در پایان بیانیه نیز با تأکید بر لزوم "احترام [حکومت] به جان و صدای مردم خود" خواهان تعلیق فوری مجازات اعدام و لغو همه اعدام‌ها شده‌اند.

پنجاه دومین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل و ارجیف وزیر خارجه جمهوری اسلامی در این نشست، بار دیگر نشان داد که کارگران و توده‌های مردم ایران فقط و فقط باید به مبارزات خود متکی باشند. آنان در طی این سالیان دراز باید دریافته باشند که دولت‌های غربی حتی اگر بخواهند روزی به رو در رویی با جمهوری اسلامی برخیزند، مطمئناً در آن هنگام نیز نه

رهایی از هرگونه تبعیضات جنسیتی، برای رسیدن به کار، نان، آزادی، یک راه بیشتر ندارند. توده‌های مردم ایران، تنها به پشتوانه گسترش مبارزات قهرمانانه در کف خیابان‌ها، گسترش اعتصابات در محیط‌های کار، سازماندهی اعتصاب عمومی سیاسی و پیامد آن یک قیام مسلحانه توده‌ای می‌توانند جمهوری اسلامی را سرنگون و با استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان، رهایی و آزادی خود را تضمین کنند.

برای تحقق منافع کارگران و زنان و توده‌های زحمتکش ایران، که صرفاً برای حفظ منافع خود و حفظ نظم طبقاتی موجود اقدام خواهند کرد. پذیرش حضور رباکارانه حسین امیر عبداللّه‌پان در پنجاه دومین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل و واکنش انفعالی دولت‌های غربی به سخنان سخیف و شمشیرکننده این مزدور بی‌مایه رژیم، برای همیشه به کارگران و زنان و معلمان و دانشجویان و بازنشستگان و همه لایه‌های زحمتکش مردم ایران نشان داد که مردم ایران برای رهایی از ستم و استثمار، برای



اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بمناسبت روز جهانی زن

زنان پیشروان جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران

جنبش رهایی و آزادی زنان در ایران طی چهل و چهار سال گذشته یکی از دشمنان آشتی ناپذیر رژیم آپارتاید جنسیتی جمهوری اسلامی بوده است. حاصل سالها نبرد دایمی توده های مردم ایران با حکومت سرپای زن ستیز، قرون وسطایی و جنایتکار جمهوری اسلامی، در مبارزات ماه های اخیر، پیشروی زنان در خیزش انقلابی توده های مردم ایران را برای پایان دادن به حاکمیت ننگین نظم سرمایه اسلامی نشان داد. با قتل ژینا (مهسای جوان) جنبش رادیکال با هدایت و محوریت زنان حول شعار "زن، زندگی، آزادی" سراسر ایران را فراگرفت. مرزها را درنوردید و به صدر رویدادهای سیاسی جهان عروج کرد و حمایت بی نظیر بشریت آزادیخواه را به خود جلب کرد.

امسال در چنین شرایط سیاسی - مبارزاتی شورانگیز، به استقبال هشت مارس، روز جهانی زن می رویم. ۸ مارس روز جهانی آزادیخواهی و برابری طلبی زنان است. یک روز مهم و تاریخی در حیات جنبش های خلاف جریان و رادیکال بین المللی برای رهایی زنان است. چهل و چهار سال پیش در روز ۸ مارس، جنبش رهایی زنان با سازماندهی یک اعتراض وسیع خیابانی علیه جمهوری اسلامی و تحمیل حجاب اسلامی و ایدئولوژی منحن و قوانین عقب مانده آن متولد شد. جنبش آزادی رهایی زن، در ۸ مارس ۱۳۵۷، کمتر از یک ماه از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، اولین اعتراض وسیع را علیه این نظام آپارتاید جنسیتی سازمان داد و علیه زن ستیزی و انحطاط و سرکوب آن اعلام جنگ نمود.

به علاوه امسال در شرایطی به استقبال ۸ مارس میرویم، که یک تغییر جدی تناسب قوای سیاسی - اجتماعی به نفع جنبش آزادیخواهانه و سرنگونی جمهوری اسلامی در جامعه شکل گرفته است. در نتیجه لازمست مارش های وسیع خیابانی را علیه موجودیت رژیم زن ستیز اسلامی سازمان دهیم. در شهرهای مختلف و در دانشگاهها، میتینگ و راهپیمایی برگزار کنیم. "آزادی زن، معیار آزادی جامعه است"، پرچم رهایی زن و برابری کامل آنان را در تمامی عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به اهتزاز درآوریم.

۸ مارس امسال می تواند بار دیگر لرزه بر اندام رژیم اسلامی وارد کند. چرا که مرتجعان اسلامی بخوبی نقش و جایگاه جنبش آزادی و رهایی زن را می شناسد، بر نفرت عمیق آنان از جمهوری اسلامی واقفند. زن ستیزی و آپارتاید جنسیتی، یک رکن مهم ماهیت این نظام است و حجاب پرچم آن. مبارزه علیه این ارکان، هستی و نیستی کلیت رژیم را به مصاف می طلبد.

فعالین جنبش آزادی زن لازمست یک ۸ مارس رادیکال و رزمنده را تدارک ببینند و سازمان دهند. فعالین چپ و کمونیست و آزادیخواه و برابری طلب باید برای تدارک این روز با تمام نیرو به میدان بیایند. فراخوان ما اینست برای وارد کردن ضربه نهایی، برای سرنگونی انقلابی حاکمیت آپارتاید اسلامی آماده شویم. همه جا متشکل شویم. ما به کمتر از برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در تمام عرصه های زندگی رضایت نمی دهیم و این مبنای نزدیکی و دوری ما با هر حرکت و جنبشی در باره مسئله زن و رهایی آنان است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، زنان و مردان برابری طلب، خانواده های کارگری، معلمان، پرستاران و دانشجویان را به هر چه با شکوهرت برگزار کردن روز جهانی زن فرامی خواند. رهایی از تمامی ابعاد ستم جنسیتی و طبقاتی حق مسلم زنان است. زنان در مبارزات اخیر نشان دادند که به خوبی در یافته اند بدون سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، بدون جدایی کامل دین از دولت و بدون تحولات اساسی و رادیکال در جامعه ایران، تحقق خواسته های برابری طلبانه آن ها ممکن نیست. آن ها در جنبش انقلابی اخیر مستقیما سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی را هدف قرار داده اند. پیروزی از آن جنبش آزادی و برابری است.

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسیتی!
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
24 فوریه 2023

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



کمک های مالی

سوئیس
علی اکبر صفایی فراهانی ۳۰ فرانک
سیامک اسدیان (اسکندر) ۴۰ فرانک
حمید اشرف ۳۰ فرانک
محمد کاسهچی ۵۰ فرانک
امیر نیوی ۵۰ فرانک

دانمارک
هوشنگ احمدی ۲۰۰ کرون
دکتر نریمیسا ۲۰۰ کرون
خروش (مارس) ۲۰۰ کرون

ایران
آبان ادامه دارد ۲ میلیون تومان

سوئد
سیاهکل ۱۰۰۰ کرون
کمک به مراسم سیاهکل ۱۰۰ کرون
کمک به مراسم سیاهکل ۶۰۰۰ کرون
کمک به سیاهکل ۱۰۰۰ کرون
کمک به مراسم سیاهکل ۱۰۰۰ کرون
کمک به مراسم سیاهکل ۱۰۰۰ کرون

هلند
سیاهکل ۳۰۰ یورو
داوود مدائن (فوریه) ۵۰ یورو

آلمان
۱۹ بهمن ۱۳۴۹، پیکار ۱۰۰ یورو
رادیکال چپ انقلابی

آمریکا
مهسا ۲۵ دلار
از سیاهکل تا ۵۰ دلار
حکومت شورایی رفیق توکل ۱۰۰ دلار
حکومت شورایی

آمریکای شمالی
رزم جاودانه و ماندگار سیاه ۳۰۰ یورو



جمهوری اسلامی مسئول مسمومسازی سربازی و عمدی دانش‌آموزان است!

طی روزهای گذشته انعکاس خبر مسمومسازی سربازی مدارس دخترانه در فضای سیاسی، موجب نگرانی عمومی شده است. مسمومیت دانش‌آموزان نتیجه گاز سمی شیمیایی است که در محیط مدارس عامدانه پخش شده است. حمله به مدارس دخترانه با گاز سمی که از آذر ماه شروع شده تا کنون در ۲۶ مدرسه و ۵ استان بیش از ۹۰۰ دانش‌آموز را مسموم کرده است. تمام شواهد نشان می‌دهد این جنایت سربازی و سازمانیافته است و توسط دشمنان مدارس آموزش دختران برنامه‌ریزی شده است و دولت جمهوری اسلامی پشت این جنایت سازمانیافته است.

حضور پرشور دانش‌آموزان در جنبش انقلابی و انعکاس مبارزات آنها در جامعه و خبرگزاری‌های جهان یکی از انگیزه‌های این جنایت است. مسئولین رژیم ابتدا این جنایت سازمانیافته را انکار می‌کردند، اما در این اواخر با ضد و نقیض گویی از امکان عمدی بودن آن سخن می‌گویند. چندی پیش روزنامه شرق به نقل از یکی از آخوندهای حوزه علمیه نوشت که یک گروه اسلامی در قم مسئول این حملات است. در روزهای گذشته اعتراض خانواده دانش‌آموزان به این جنایت افزایش یافت و در برخی از مناطق شعارهای ضد رژیم از جمله "مرگ بر این رژیم کودک‌کش" داده شده است. جنایت‌های سازمان یافته بارها در جمهوری اسلامی تکرار شده است. قتل‌های زنجیره‌ای زنان در کرمان، اسید پاشی زنان در اصفهان و ... نمونه‌های روشنی از این جنایت‌های سازمان یافته است. انکار، توجیه و تهدید، روش همیشگی رژیم در قبال جنایت‌هایش است. انسان‌های شریف و آزاده!

بی‌تردید جمهوری اسلامی با گروه‌های مختلف "آتش به اختیار" و شبکه‌های تو در تو نهادهای امنیتی و نظامی مسئول این جنایت سازمانیافته سربازی است. این رژیم از جنبش انقلابی و حضور دانش‌آموزان خصوصاً دانش‌آموزان دختران چنان وحشت کرده که برای انتقام و ترس از امکان حضور دوباره آنها در اعتراضات مردمی دست به هر جنایتی می‌زنند. صدای اعتراض دانش‌آموزان و خانواده آنها باشیم و همراه با آنان حکومت ننگ و جنایت و سرکوب را آماج اعتراض قرار دهیم.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

1401 اسفند 01.03.2023/10

امضا: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



یک تراژدی دیگر: مرگ ده‌ها پناه جو در سواحل ایتالیا!

بار دیگر ده‌ها تن از پناه جویان در مسیر رساندن خود به سواحل اروپا، گرفتار امواج دریا شده و جان باختند. طبق آمار و اطلاعات منتشره از سوی مقامات ایتالیا روز یکشنبه ۲۶ فوریه برابر با ۷ اسفند، قایق حامل صدها پناهجو در اثر اصابت به صخره متلاشی و ده‌ها تن از جمله حداقل ۱۲ کودک کشته شدند. گفته‌شده این پناه جویان از کشورهای ایران، پاکستان عراق، افغانستان و سومالی بوده‌اند.

قریب به دو دهه است که در اثر قدرت‌گیری احزاب و جریان‌های راست در اروپا، حق پناهندگی که دست آورد مبارزاتی نیروهای چپ و مترقی اروپاست، شدیداً مورد حمله قرار گرفته و سیاست‌های پناهندگی در اروپا هر روز محدودتر، سخت‌تر شده و چهره غیرانسانی‌تر به خود گرفته است. علاوه بر این محدودیت‌ها، فشارها و سیاست‌ها، شرایط غیرانسانی در کمپ‌های پناهندگی، با وقاحت تمام و به عمد در صحن پارلمان‌ها تکرار و در رسانه‌ها تبلیغ می‌شوند تا به هر طریق ممکن مانع از رسیدن پای پناه جویان به خاک اروپا گردند. شرم‌آورتر از این نیست که در قرن ۲۱ دولت‌ها و احزاب دست راستی در اروپا یا خواهان اعزام پناه جویان به آفریقا شده‌اند و یا خواهان ساختن دیوار دور مرزهای اروپایی شده‌اند. این دیوار گرچه هنوز با اجر ساخته نشده است، اما راه‌های ورود به اروپا حتی‌الامکان مسدود شده است. به گفته سازمان آلمانی «دیده بان دریا» سیاست‌های اخیر دول اروپایی موجب شده که تنها راه ورود به اروپا از طریق راه‌های آبی میسر باشد. البته همین راه‌های دریایی نیز به طرق مختلف موجب مرگ پناه جویان شده است. تغلل و بی‌اعتنایی نسبت به جان انسان‌ها در سواحل ایتالیا و یونان موجب مرگ پناه جویان در میان امواج دریا شده است. اگر در سال ۲۰۱۵ تصویر پیکر بی‌جان کودک کرد سوری در سواحل ترکیه جهان را به شوک فروبرد، اما تکرار این صحنه‌های تراژیک طی سالیان گذشته به امری معمول تبدیل شده است و متأسفانه حتی حساسیت‌چندانی را نیز بر نمی‌انگیزد. طبق آمار سازمان بین‌المللی مهاجرت، طی سال‌های ۲۰۱۴ تا پایان ۲۰۲۲ تعداد ۲۶ هزار تن در دریای مدیترانه کشته و یا ناپدید شده‌اند.

تا هنگامی که در یکسوی جهان جنگ و غارت در جریان است، در سوی دیگر کشتار و بمباران، آن‌سوتر استثمار و دیکتاتوری‌های عنان‌گسیخته حاکماند و کل کره زمین در چنبره فجایع زیست‌محیطی قرار دارد، انسان‌ها برای نجات جان و زندگی خود و خانواده‌شان راهی مقاصد نامعلوم خواهند شد.

برای اعتراض به این تراژدی‌های انسانی و سیاست‌های ضد بشری دول اروپایی بر ماست که برای دفاع بی‌چون‌وچرا از حق پناهندگی و همبستگی با پناه جویان و پناهندگان، با نیروهای مترقی، پیشرو و چپ جهان همراه و همصدا شویم!

کمیته خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

۲۷ فوریه ۲۰۲۳ برابر با ۸ اسفند ۱۴۰۱



www.fedaian-minority.org

باید به مقابله‌ای جدی با تحمیل دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر، برخاست

۱۲۲ دلار رسیده است و دولت تا کجا این فقر را می‌خواهد ادامه دهد؟ امروز هزینه شهروندان با قیمت‌های جهانی و دستمزد با نرخ کشورهای فقیر آفریقایی است.

این که کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر زحمتکشان جامعه در اعتراضات خود شعار می‌دهند: "درآمدها ریالی، هزینه‌ها دلاریه" یک واقعیت است که حتی فرساده مومنی نیز به آن اذعان دارد. اما به رغم همه این واقعیت‌ها "شورای عالی کار" به عنوان یک نهاد دولتی کار خود را برای فریب کارگران ادامه می‌دهد.

آیت اسدی یکی از به‌اصطلاح "اعضای کارگری شورای عالی کار" پنجشنبه یازده اسفند در رابطه با "نشست شورای عالی کار" در همان روز به خبرنگاران گفت: "دستور کار این نشست بحث

دستمزد ۱۴۰۲ نبود... احتمالاً تا ده روز آینده، نشست شورای عالی کار برای تعیین افزایش دستمزد ۱۴۰۲ برگزار خواهد شد". به عبارت دیگر یک هفته مانده به سال جدید تازه قرار است به‌اصطلاح نشست‌های‌شان برای تعیین دستمزد آغاز شود و آن‌گاه تازه "چانه‌زنی‌ها" برای فریب کارگران شروع می‌شود و بالاخره معلوم نیست چه زمانی میزان افزایش دستمزد کارگران اعلام شود. جالب آن‌که امسال در نشست‌های "شورای عالی کار" بررسی منطقه‌ای شدن دستمزد که یکی دیگر از شیوه‌های طبقه حاکم سرمایه‌دار برای تشدید استثمار کارگران است، جایگاه ویژه‌ای داشته و در نشست یازده اسفند نیز یکی از موضوعات، همان منطقه‌ای کردن دستمزد بود که شدیداً مورد حمایت دولت است.

عیدعلی کریمی دبیر اجرایی تشکل دولتی "خانه کارگر قزوین" در این رابطه گفت: "برخی اصرار بر مزد منطقه‌ای دارند و نظرشان این است که مثلاً کارگر در تهران ۸ میلیون تومان، در تبریز و قزوین ۵ میلیون تومان و در کرمان و بلوچستان ۳ میلیون تومان مزد بگیرد".

در مورد میزان افزایش حداقل دستمزد و سایر سطوح دستمزد، مشخص است که سیاست دولت افزایش دستمزدهای کارگری به‌گونه‌ای است که از میزان افزایش سایر حقوق‌بگیران فراتر نرود. برای سال پیش‌رو متوسط افزایش حقوق شاغلان و بازنشستگان در لایحه بودجه و مصوبه کمیسیون تلفیق ۲۰ درصد تعیین شده است. همچنین حداقل حقوق برای شاغلان ۷ میلیون و ۹۲۰ هزار تومان و برای بازنشستگان ۶ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان خواهد بود. این میزان افزایش یعنی گسترش فقر و خالی‌تر شدن سفره کارگران و زحمتکشان بسیار فراتر از حتماً سال‌جاری.

براساس آمارهای دولتی نرخ تورم سالانه ۴۸ درصد، تورم نقطه‌ای بالای ۵۰ درصد و تورم نقطه‌ای مواد خوراکی بالای ۷۰ درصد است و این البته آمار رسمی است که حتماً مقامات حکومتی نیز به آن هیچ باوری نداشته و معتقدند

نرخ تورم بسیار بیشتر از آمارهای دولتی است. برای نمونه علی‌اصغر نجاری دبیر اجرایی تشکل دولتی "خانه کارگر زنجان" در این رابطه گفت: "درست است که رقم حدود ۴۸ درصدی را برای تورم اعلام کرده اما با یک محاسبه واقعی با لحاظ کردن وزن سبد کالاهای مصرفی، تورم برای کارگران بیش از ۱۰۰ درصد است. افکار عمومی تغییرات قیمت را می‌فهمد و می‌داند حقوق و دریافتی او باید تا چه حد باشد تا قدرت خریدش مثل گذشته حفظ شود". حسین حبیبی دبیر تشکل دولتی "کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران" نیز گفت: "تورم بیش از آن چیزی است که اعلام می‌شود و بیش از بحث ۴۸ درصد بوده و نزدیک ۸۰ درصد است".

با توجه به نرخ واقعی تورم که حتماً مقامات دولتی نیز تا حدودی به آن اعتراف می‌کنند و با توجه به چشم‌انداز بحران اقتصادی و نرخ تورم در سال آینده که مرکز پژوهش‌های مجلس بالای ۴۰ درصد پیش‌بینی کرده است و برخی از رسانه‌های داخل و اقتصاددانان حامی نظم حاکم حتماً از ابرتورم در سال آینده سخن گفته‌اند، مشخص است که قدرت خرید کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه با افزایش ناچیز دستمزد و حقوق اسمی، برای سال آینده حداقل ۵۰ درصد کاهش می‌یابد و این یعنی محکوم کردن توده‌های ستمدیده‌ی ایران به فقر هر چه بیشتر.

در این میان بویژه بر نقش و تاثیر سیاست‌های اقتصادی دولت در تشدید این وضعیت وخیم باید تاکید کرد. دولت از سویی با افزایش ناچیز حقوق نسبت به تورم، افزایش هزینه‌های آموزش و درمان خانواده‌ها و کاهش هزینه‌های دولت در این امور، افزایش هزینه‌های خدمات دولتی، افزایش بهای گاز، برق و آب با چراغ خاموش به‌گونه‌ای که قبض گاز اغلب خانوارها چند برابر افزایش یافته است و دیگر سیاست‌های ضد کارگری خود، هزینه‌های زندگی را برای کارگران و زحمتکشان افزایش می‌دهد و از سوی دیگر با سیاست‌هایی که موجب افزایش افسارگسیخته تورم می‌شوند، بهای نیروی کار و قدرت خرید کارگران را کاهش می‌دهد.

سیاست‌هایی همچون افزایش نرخ برابری دلار در برابر ریال و حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی کالاهای اساسی، افزایش نرخ دلار محاسباتی برای عوارض گمرکی کالاهای وارداتی که عموماً کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه هستند، کسری بودجه، افزایش هزینه‌های نظامی و دستگاه‌های نظامی، امنیتی، مذهبی و تبلیغاتی، افزایش هزینه‌های سیاست خارجی تجاوزکارانه و مانند آن‌ها. بنابراین روشن است که برای جمهوری اسلامی چیزی که اهمیت ندارد، زندگی کارگران و زحمتکشان است و تا زمانی که این حکومت فاشیستی سرمایه‌داری بر سریر قدرت است، دستبرد به سفره کارگران و

زحمتکشان ادامه خواهد داشت.

در روزها و هفته‌های گذشته، تعدادی از تشکل‌های مستقل داخل کشور با انتشار بیانیه‌هایی در مورد چگونگی تعیین میزان افزایش دستمزدها توسط "شورای عالی کار" موضع‌گیری کردند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه دهم اسفند ماه با انتشار بیانیه‌ای در این مورد نوشت: "تشکلات وابسته به حاکمیت که نام کارگر را به پند می‌کشند، هیچگاه، حتی برای افزایش دستمزدها، در کنار ما کارگران و مردم محروم کشور قرار نگرفته و نخواهند گرفت. ما کارگران در تمامی بخش‌ها و صنوف با اتحاد و همبستگی، و با سازماندهی و ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری که هیچ‌گونه وابستگی به دولت و کارفرما نداشته باشند می‌توانیم به دستمزد و مزایایی که با آن نیازهای زندگی خود و خانواده‌هایمان را تامین کنیم دست یابیم. تنها راه نجات طبقه کارگر از زیر بار ستم نظام سرمایه‌داری و مناسبات ناعادلانه موجود، تکیه به نیروی متحد خودمان در سراسر کشور است".

پیشتر "سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه"، "کمیته هم‌اندگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری"، "بازنشستگان تامین اجتماعی خوزستان" و "گروه اتحاد بازنشستگان" نیز در دی‌ماه با انتشار بیانیه‌ای خواستار تعیین ۲۵ میلیون تومان به‌عنوان حداقل دستمزد شده و نوشته بودند: "کارگران نباید هیچ امیدیه به بلای‌ها داشته باشند و لازم است که خود برای دستیابی به خواست‌های‌شان تلاش کنند و برای منافع و خواست‌های مبرم و فوری و نیز منافع و اهداف عالی و درازمدت خود برپا خیزند. مبارزه برای افزایش واقعی مزدها، مبارزه مرگ و زندگی است و کارگران برای دفاع از زندگی خود و خانواده و نزدیکان‌شان لازم است در چنین مبارزه‌ای با اراده و تمام توان خود متحدانه وارد شوند و تا دستیابی به خواست‌های برحق خود از پای ننشینند".

این یک واقعیت آشکار است که طبقه کارگر اگر نتواند در قامت یک طبقه وارد مبارزه با سرمایه‌داران و دولت حامی آن‌ها شود، شرایط روز به روز بدتر خواهد شد. در روزها و هفته‌های اخیر شاهد اعتصابات و اعتراضات متعدد کارگری بودیم، خواست‌های کارگران در اغلب این اعتراضات دستمزدهای عقب‌افتاده و قراردادهای کاری بود. در چندین مورد نیز کارگران در اعتراضات خود خواستار افزایش دستمزد و یا اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل شده بودند.

این‌که در این روزها سرمایه‌داران در "شورای عالی کار" مشغول تحمیل فقر بیشتر به کارگران هستند، اما کارگران در برابر این ظلم فاحش در عمل وارد یک مبارزه جانانه با سرمایه‌داران و

در صفحه ۱۱

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



ترس جمهوری اسلامی از به خیابان آمدن بازنشستگان

امروز بار دیگر گروهی از بازنشستگان در تعدادی از شهرها از جمله تهران، کرمانشاه، یزد، رشت، قزوین، تاکستان، اراک، سنندج، مریوان، شهرکرد، اردبیل، ایلام، تبریز، اصفهان، کرج و دهگلان در اعتراض به وضعیت فاجعه‌بار معیشتی بازنشستگان دست به تجمع زدند. در فراخوانی که برای برگزاری این تجمع در روزهای قبل منتشر شده بود، از بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری و لشگری خواسته شده بود تا با حضور در برابر سازمان برنامه و بودجه در تهران و در دیگر شهرها در برابر استانداری و یا فرمانداری خواست‌های برحق خود را فریاد بزنند. چرا که "تنها کف خیابون به دست می‌آد حق‌مون".

شعاری که بازنشستگان تأمین اجتماعی در روز یکشنبه نیز در تعدادی از شهرها همچون اصفهان، کرمان، اهواز، شوش و شوشتر سر داده بودند. "هزینه‌ها دلاری، حقوق ما ریالی" و "گرانی تورم بلای جان مردم"، همراه با شعارهایی علیه جمهوری اسلامی از جمله شعارهای بازنشستگان در تجمعات امروز بودند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه از جمله تشکلاتی بودند که با انتشار اطلاعیه از تجمع امروز حمایت کرده بودند.

در تهران، اما رژیم بار دیگر برای ممانعت از حضور پرشکوه و رزمنده بازنشستگان، مزدوران خود را روانه میدان کرد.

مزدوران رژیم تمام منطقه را قُرق کرده و با استفاده از باتوم و دیگر ابزار سرکوب مانع تجمع بازنشستگان در برابر سازمان برنامه و بودجه شدند. با این وجود بازنشستگان هر جا که توانستند در جمع‌های ده تا پانزده نفره خواست‌های خود را فریاد زدند.

براساس اخبار منتشره، در تهران جمعیت زیادی از فراخوان استقبال کرده بودند و مزدوران با دیدن جمعیت زیاد بازنشستگان، ایستگاه مترو بهارستان را بسته و مانع ورود و خروج از آن ایستگاه شدند. در میان مزدوران رژیم تعداد زیادی نیز مزدور زن بودند. مزدوران زن با وقاحت تمام به بازنشستگانی که برخلاف مزدوران رژیم عمری را در کار و رنج سپری کرده‌اند، "پیرو پاتال" خطاب می‌کردند.

براساس گزارشات منتشره تعدادی از بازنشستگان توسط مزدوران رژیم دستگیر شدند که تا لحظه انتشار این اطلاعیه، خبری از تعداد و وضعیت بازداشت‌شدگان منتشر نشده است.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن حمایت از مبارزات و خواست‌های برحق بازنشستگان، خواستار آزادی فوری و بی‌قیدوشرط تمامی بازنشستگان و تمامی زندانیان سیاسی است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی
 نابود باد نظام سرمایه‌داری
 زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم
 سازمان فدائیان (اقلیت)
 ۹ اسفند ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

باید به مقابله‌ای جدی با تحمیل دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر، برخاست

دولت حامی آن‌ها نشده‌اند، یک ضعف بزرگ است، وضعی که نتیجه متفرق بودن کارگران است. رژیم در طول این سال‌ها با تبدیل قراردادهای ثابت به قراردادهای موقت و وارد کردن شرکت‌های پیمانی به محیط کار و دیگر حیل‌ها سعی کرده است بین کارگران چنددستگی ایجاد کرده و مانعی در برابر اتحاد و تشکل سراسری آن‌ها ایجاد کند. کارگران اما با هر نوع قراردادی یک دشمن مشترک دارند و آن دولت و طبقه سرمایه‌دار است.

به اعتراف عبدالعلی کریمی دبیر اجرایی "خانه کارگر قزوین"، ۷۰ درصد شاغلان تحت شمول قانون کار فاقد مسکن هستند و حتا با این دستمزدها قادر به اجاره‌ی یک خانه نیستند. کارگران با دستمزد خود حتا قادر به پوشش هزینه‌های معیشتی خود نیستند تا چه رسد به دیگر هزینه‌های ضروری زندگی. لازم به تأکید است که این شرایط مختص طبقه کارگر نیست. امروز عموم حقوق‌بگیران همچون معلمان، بازنشستگان و پرستاران با چنین وضعیتی روبرو بوده و قادر به تأمین ضروری‌ترین نیازهای خود نیستند. از همین رو معلمان، بازنشستگان و دیگر زحمتکشان جامعه در مبارزه برای افزایش دستمزد و حقوق برای داشتن یک زندگی انسانی متحد و همراه طبقه کارگر هستند.

اگر خواهان افزایش دستمزد هستیم، اگر خواهان زندگی در آسایش هستیم، اگر داشتن مسکن را حق خود می‌دانیم، اگر درمان و آموزش و تأمین اجتماعی از گهواره تا گور حق کارگران است، باید برای آن‌ها مبارزه کرد. حق گرفتن است نه دادنی.

کارگران برای پیش‌برد مبارزه نیاز به تشکل دارند، تشکل در محیط کار و سپس تشکلهای سراسری مانند کمیته‌های هماهنگی اعتصاب، تشکلهایی که مناسب شرایط کنونی جامعه هستند و می‌توانند مبارزه کارگران را در مقیاس سراسری رهبری و هدایت کنند. کارگران متفرق هیچ چیز کارگر متحد همه چیز.



باید به مقابله‌ای جدی با تحمیل دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر، برخاست

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)
نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب
بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه
کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های
سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 1011 March 2023

سرمایه‌داری حاکم، نقش اصلی را در کاهش بهای نیروی کار دارد، این واقعیتی است که امروز هیچ کس نمی‌تواند آن را انکار کند. کاهش بهای نیروی کار کارگران در ایران به حدی است که امروز به ارزان‌ترین نیروی کار در سطح جهان تبدیل شده است. هم اکنون حداقل دستمزد کارگران ایران در هر ماه کمتر از ۱۰۰ دلار است و این در حالی است که برای نمونه حداقل دستمزد در عمان یکی از کشورهای همسایه ایران برابر با ۸۴۵ دلار است، کشوری که ثروت و منابع طبیعی آن با ایران اساساً قابل مقایسه نیست. وضعیت دستمزد در دیگر کشورهای همسایه ایران نیز کم و بیش در همین حدود است. در عراق که دولت‌های فاسد، جناح‌های رقیب و دخالت‌های خارجی کشور را ویران کرده است، حداقل دستمزد ۴ برابر ایران است. براساس گزارش صندوق بین‌المللی پول که مبنای آن آمارهای دولت‌هاست، حتی حداقل دستمزد در سوریه از ایران بیشتر است و این تازه زمانی بود که دلار به محدوده‌ی ۶۰ هزار تومان نرسیده بود.

فرشاد مومنی "استاد اقتصاد" دانشگاه علامه طباطبایی و از هواداران نظم حاکم به این واقعیت این‌گونه اعتراف می‌کند: "حداقل دستمزد در ابتدای سال ۲۵۳ دلار بود در مدت ۱۱ ماه به

درصافه ۱۰

در شرایط فاجعه‌بار اقتصادی، در شرایطی که هر روز فاصله دستمزد با هزینه‌های زندگی بیشتر شده و کارگران ایران از بدبخت‌ترین حقوق انسانی خود محروم شده‌اند، مبارزه برای افزایش دستمزد، به مبارزه‌ای برای حق حیات و زندگی کارگران و خانواده‌هایشان تبدیل شده است. جمهوری اسلامی اما بدون توجه به این مساله مدام فشار بار بحران اقتصادی رکود - توری را که ریشه در مناسبات سرمایه‌داری حاکم دارد، هر چه بیشتر بر شانه‌های کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه آوار می‌کند.

در حالی که روزهای آخر سال نزدیک می‌شود که نهاد دولتی "شورای عالی کار" هنوز میزان افزایش دستمزد کارگران برای سال آینده را اعلام نکرده است. "شورای عالی کار" به روال سال‌های گذشته در نمایشی که دیگر هیچ‌کس را فریب نمی‌دهد، تعیین میزان افزایش دستمزد و حداقل دستمزد کارگران را با جلساتی فرمایشی که خروجی نهایی آن بر همگان روشن است، می‌خواهد با کشاندن جلسات به روزهای آخر سال، مانع اعتراض طبقه کارگر به تعیین دستمزدهایی شود که مدام از قدرت خرید آن کاسته می‌شود. در واقع تنها کالایی که اکنون روز به روز از ارزش آن کاسته می‌شود نیروی کار کارگران است.

شکی نیست که دولت به عنوان پاسدار مناسبات



tvshorashora@gmail.com

تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای
زحمتکش و ستم دیده ای است که برای
آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست پخش می کند .

برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می توانید در سایت سازمان فدائیان (اقلیت) و شبکه های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستا گرام و یوتوب نیز دنبال کنید.
مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید .
مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: tvshorashora@gmail.com

شماره تلفن : ۰۰۴۵۳۶۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی